



برادر عزیز پرور بیستری

چنانکه میدانم در زستان سال ۱۳۶۱ تقسیم تصفیه شما از سازمان پرسید برادر مجاهدان محمد علی جابرزاده (مشاور دفتر سیاسی) شما ابلاغ شد ...

پس هسرتان مینا در مسئول اول سازمان خدا گشته بود که در این امر تجدید نظر در کمیته شد زیرا با اعتقاد اد (مینا) تصفیه شما در هجولانه بدین در نظر گرفتن جراتت امر « صورت پذیرفته و در صورتیکه شما در فضای سازمانی قرار میگرفتید مجبوراً امکان بازگشت به سازمان برایت فراهم می شد .
اگرچه تقسیم دایره تصفیه شما مشغولیت تقسیم سازمان بود که بر اساس اصول و معیارهای تکدیاتی در رابطه با مواضع قدرت اتحاد شده بود ولی بنا بر توصیه سعید و عباس شافعیان مینا تقسیم رفتیم بلاشتن انتظاف و صمیمیت برادرانه یک دوره دیگر هرگز با بنوان آذایش ترا به داخل روابط تکدیاتی بیادیم تا شاید با وادار رفتن در فضای تکدیاتی سیاسی سائل شما در بجل برود تا چه با احدیت محترمت مجدد در سازمان را کب کنی .
اکثرین پس در یک سال که من شخصاً عمده دار مسئولیت تر شده بودم (در حالیکه دوره آرزویشی قرار بود ۶ ماه باشد) بایستی وضعیت

شما را جمع بندگی نموده و با زمان اراد ما در هم .

بر اساس همه تجاربی که دارم جمع بندگی و استنباط فرود اینست که هنگام این مدت از جهات مختلف تکدیاتی در سیاسی دسترا تری (وجهی با در رابطه با اصول از قیادی ایده تر کوشگی) تو پیوسته از سازمان دور تر شده و باز هم بیشتر دور فراموشی ...
خلاصه مطلب اینکه عفو میت که هیچ گاه در اینبار که حتی یک هدیه داد ساده و صمیمی سازمان نیز با همی قوی باشد که نیم کلا فکر می کنم که در اول تو از میانی در اصول و ضوابط دسته جمعی سازمان گناه تا آنجا است که بنحوی تا صادقانه و غیر صمیمی در صورت دستاویز جفتی در ایراد گیرانی مختلف برویائی که طبعاً هیچ آینه در آن تصور نیست .
بجای اقرار و صمیمیتی که چه فرودم (بعنوان مسؤل مستقیم ترا) وجه اغلب برادران و مجموعه سعید در حق تو قائل بوده و هستیم امروز فکر کردم یک بار در این مطلب را قبل از وادار کردن در جمع بندگی سازمان نخست فرودم بطور کاملاً خصمی با قدرت در میان بلزارم تا شاید مشترکاً همراه غلطی پیدا کنیم . زیرا طبیعی است که در وضعیتی که تو با سازمان با نبرد آرزویشی نیز فرود و در این میان غلطی روز افزون نبوده و نیست . تا اینکه وادار شده بودی دیگر آیت



را بکنی . که امیدوارم با موافقت و مساعدت در مذاکره خدایتی
و خلقی همراه باشه .

چون گفتی قرار و مدار را که بینمان بوده کتباً بنویسم این
هندسکار را از ششم آورده خود این نوشته خداستن هم نشان
نا میزان بودن و بیم دباک انی است که در داخل سازان
سابقه نه در د. یعنی نشان دور است و نه نزدیک .
رضی در قبول داشته باشی که چه مس و چه کل سازان فیروزه نیست
بلکه از این زمان افغانه کنیم که

طی این چهار متبادر که ضمن این ساله با تو بحث و برخورد داشته ام ؛
استباطم داشت که ریشه سائلی که در لیدر دارا نامستی و گاه قدرت
و ما با بیعت با آن مشغول میمانی نه در مسائل نزدیک با بسی و اکثر اثرهای
پیش یا تازه که جبراً با این ترین مسطور هر داران سازان
نیز در شن و قابل فهم است با بلکه در هیچ امر و هم از اید و کوزهای
(~~بعضی~~ بعضی عام گاه) ریشه دارد است . بعبارت دیگر منجر هم
بگویم که نمی دانم از زمان پیوستنت با زمان از سال ۴۸ به بعد
و خصوصاً از وقتی که از ۱۳۵۰ به بعد سازان دارد دور فعالیت
با لفظ بسی در معنی عمل شده است با فی الواقع در که ام دوره
دید که ام مقطع با حفظ آن به تمامه بهم آشنای و یگانگی

صن کرده ال ؟ در یاد استی که آینه نیز در چه موقعی چنین
چنین امکان پذیر خواهد بود . همین طور افغانه می کنیم که در نظر
مسائل عادی و معمولی فطری در سببکی بنظر میرسد که اصل مشکل
و ابتدا تر نباشد . و الا بحث و مضمون با نه از ه گمانی کرده ام و
تو هم که قدرت را به مدعی نیستی که در هدهه سازان بهترین نیستی و
بیشتر تجربه دارد در زیاد تر تضاد و مسکله حل کرده ال .

و اگر هم اینطور است که با زهم سازان جابجایی نیست زیرا پایه
اینطور فزونی کرد که جابجایی در دیگر جریان بسیار عالیتر و با اثر دیر
است .
برال اینکه نگوییم که میخواهی کینی منظم باشی پیشنهاد می کنم اگر دولت
خداست در این مطلب هم فکر کنی وقتی برال منظم بنویسی

که
۱- سازان مطالب فوج سازان و با چه اصول و سرازین و میباید
و ~~حقوق~~ حقوق بسی و اکثر اثرهای و ناگنجی است ؟
۲- اگر فی الواقع هند و قدرت خودت را محض سازان ملتی میمانی و
نگر می کنی که هم محمد علی دهم من در حق تو ظلم کرده و بیجهت این
بر داشت را از تو داشته و با سازان نیز مشکل کرده ام که صد البته
مفیدیت رانده در ؛ یک بار دیگر هم بنویس که چرا قدرت را محض سازان
ملتی میمانی در عالم واقع چه چیزهایی ترا با سازان و سایر اصناف آن

پیوسته می ده
۳- اگر هم با این نتیجه رسیدی که فی الواقع پیوسته است با سازان
پیوسته است که نیست و از این رابطه فیر حاصل نمی شود شخصی
که در این مورد ان تبعیه دفاعی که شود براس اداره آورنده اند و تکرمانه



خرد و هسرت چه نیازهای ~~مختص~~ در دنیا
 مثلا درجه حد و حدودی فوایدی با سازمان رابطه سیاسی
 در سیاست یک در گذشته باشی . چنانچه همانکه سنت سازمان
 است که اقیانوس به تنگ کرانه دارد که در گذشته با سازمان هیچ
 رابطه ای هم نداشته باشی تا این مایل واقعی و خاطر صبری
 کامل صفتی ~~مختص~~ خرد و هسرت و مدیر فنانا هر زمان که خرد است
 باشد بر همه سازمان است دانش و الا که با روزی
 بر آنکه مایل حل شده و فی الواقع صلاحیت با روش
 محدد در مصروف احوال سازمان را کسب کنی .

www.xalvat.org
 www.KetabFarsi.com

مجلس شورای اسلامی ایران
 محمد علی ابراهیمی
 ۳
 ۴